



قدم به قدم، همراه دانشجو...

WWW.GhadamYar.Com

جامع ترین و به روزترین پرتال دانشجویی کشور (پرتال دانش)
با ارائه خدمات رایگان، تحصیلی، آموزشی، رفاهی، شغلی و...
برای دانشجویان

- (۱) راهنمای ارتقاء تحصیلی. (کاردانی به کارشناسی، کارشناسی به ارشد و ارشد به دکتری)
- (۲) ارائه سوالات کنکور مقاطع مختلف سالهای گذشته، همراه پاسخ، به صورت رایگان
- (۳) معرفی روش‌های مقاله و پایان‌نامه نویسی و ارائه پکیج‌های آموزشی مربوطه
- (۴) معرفی منابع و کتب مرتبط با کنکورهای تحصیلی (کاردانی تا دکتری)
- (۵) معرفی آموزشگاه‌ها و مراکز مشاوره تحصیلی معتبر
- (۶) ارائه جزوات و منابع رایگان مرتبط با رشته‌های تحصیلی
- (۷) راهنمای آزمون‌های حقوقی به همراه دفترچه سوالات سالهای گذشته (رایگان)
- (۸) راهنمای آزمون‌های نظام مهندسی به همراه دفترچه سوالات سالهای گذشته (رایگان)
- (۹) آخرین اخبار دانشجویی، در همه مقاطع، از خبرگزاری‌های پربازدید
- (۱۰) معرفی مراکز ورزشی، تفریحی و فروشگاه‌های دارای تخفیف دانشجویی
- (۱۱) معرفی همایش‌ها، کنفرانس‌ها و نمایشگاه‌های ویژه دانشجویی
- (۱۲) ارائه اطلاعات مربوط به بورسیه و تحصیل در خارج و معرفی شرکت‌های معتبر مربوطه
- (۱۳) معرفی مسائل و قوانین مربوط به سرگذری، معافیت تحصیلی و امریه
- (۱۴) ارائه خدمات خاص ویژه دانشجویان خارجی
- (۱۵) معرفی انواع بیمه‌های دانشجویی دارای تخفیف
- (۱۶) صفحه ویژه نقل و انتقالات دانشجویی
- (۱۷) صفحه ویژه ارائه شغل‌های پاره وقت، اخبار استخدامی
- (۱۸) معرفی خوابگاه‌های دانشجویی معتبر
- (۱۹) دانلود رایگان نرم افزار و اپلیکیشن‌های تخصصی و...
- (۲۰) ارائه راهکارهای کارآفرینی، استارت آپ و...
- (۲۱) معرفی مراکز تایپ، ترجمه، پرینت، صحافی و ... به صورت آنلاین
- (۲۲) راهنمای خرید آنلاین ارزی و معرفی شرکت‌های مطرح (۲۳)



WWW.GhadamYar.Ir

WWW.PortaleDanesh.com

WWW.GhadamYar.Org

۰۹۱۲ ۳۰ ۹۰ ۱۰۸

باما همراه باشید...

۰۹۱۲ ۰۹ ۰۳ ۸۰۱

www.GhadamYar.com

نکات مهم و قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری به صورت نموداری

وبلاگ حقوقی سعید شاکر

<http://dadban1365.blogfa.com/>

قسمت دوم

ماده ۶۱— دادنامه پس از صدور، ثبت می شود و رونوشت آن ظرف بنج دوز برای ابلاغ به طرفین ارسال می گردد.

ماده ۶۲— ابلاغ آراء دیوان می تواند به یکی از طرق زیر صورت گیرد :

- الف— به طرفین شکایت یا وکیل یا قائم مقام و یا نماینده قانونی آنان توسط دفتر شعبه
- ب— از طریق اداره ابلاغ، به موجب مقررات آیین دادرسی مدنی
- پ— از طریق پست الکترونیک یا نمابر، به ادارات دولتی یا شکایت به تقاضای قبلی آنان برای استفاده از این روش ابلاغ
- ت— از طریق دفاتر اداری دیوان موضوع ماده (۶) این قانون
- ث— به وسیله دادگستری محل اقامت

ماده ۶۳—

هرگاه شعبه رسیدگی کننده دیوان در مرحله رسیدگی به آراء و تصمیمات مراجع مذکور در بند (۲) ماده (۱۰) این قانون، اشتباه

یا نقصی را ملاحظه نماید که به اساس رأی لطمہ وارد نکند:

✓ آن را اصلاح و رأی را ابرام می نماید

❖ و چنانچه رأی واحد ایجاد شکلی یا ماهوی مؤثر باشد:

✓ شعبه مکلف است با ذکر همه موارد و تعیین آنها، پرونده را به مرجع مربوط اعاده کند.

✓ مرجع مذکور موظف است مطابق دستور شعبه دیوان نسبت به رفع نقص یا ابرادهای اعلامی اقدام و سپس مبادرت به اتخاذ تصمیم یا صدور رأی نماید.

❖ در صورتی که از تصمیم متخذه و یا رأی صادره مجددًا شکایت شود:

✓ پرونده به همان شعبه رسیدگی کننده ارجاع می شود.

✓ شعبه مذکور چنانچه تصمیم و یا رأی را مغایر قانون و مقررات تشخیص دهد، مستند به قانون و مقررات مربوط، آن را نقض و پس از اخذ نظر مشاورین موضوع ماده (۷) این قانون، مبادرت به صدور رأی ماهوی می نماید.

تبصره— شعبه می تواند علاوه بر نظر مشاورین موضوع ماده (۷)، عنداللزوم از نظر کارشناسان و متخصصین هر رشته، از میان کارشناسان رسمی دادگستری و یا دستگاههای مربوط استفاده نماید.

- ۶۴ ماده -

- ❖ در مواردی که به موجب قانون یا مصوبه ای لازم الاجراء، تشخیص موضوعاتی از قبیل صلاحیتهای علمی، تخصصی، امنیتی و گزینشی به عهده کمیسیون یا هیئت‌هایی واگذار شده باشد:
- ✓ شعب دیوان فقط از جهت رعایت ضوابط قانونی و تطبیق موضوع و فرآیند بررسی آن بر اساس قانون یا مصوبه رسیدگی می‌کنند
 - ✓ و در صورت شکایت شاکی از حیث تشخیص موضوع، شعبه رسیدگی کننده موظف است حسب مورد پس از ارجاع پرونده به هیأت کارشناسی تخصصی ذی ربط که توسط شعبه تعیین می‌گردد با کسب نظر آنان، مبادرت به انشاء رأی نماید.

مبحث دوم - رسیدگی در شعب تجدیدنظر

- ۶۵ ماده -

- ❖ **کلیه آراء** شعب بدروی دیوان به درخواست یکی از طرفین یا وکیل یا قائم مقام و یا نماینده قانونی آنها، قابل تجدیدنظرخواهی در شعب تجدیدنظر است.
- ❖ **مهلت تجدیدنظرخواهی** برای اشخاص مقیم ایران **بیست روز** و برای اشخاص مقیم خارج از ایران **دو ماه** از تاریخ ابلاغ مهلت تجدیدنظرخواهی است.

- ۶۶ ماده -

- | | | |
|----------------|-------------------------|------------------------------------|
| انجام می‌گیرد. | دفتر شعبه صادرکننده رأی | تجدیدنظرخواهی با تقدیم دادخواست به |
| | یا دبیرخانه | یا دفاتر اداری دیوان |

❖ دادخواست تجدیدنظر توسط رئیس دیوان به یکی از شعب تجدیدنظر ارجاع می‌شود.

ماده ۶۷ - دادخواست تجدیدنظر باید روی برگه‌های مخصوص نوشته شود و حاوی نکات زیر باشد :

- الف - مشخصات و اقامتگاه تجدیدنظرخواه
- ب - شماره و تاریخ رأی تجدیدنظرخواسته
- پ - شعبه صادرکننده رأی تجدیدنظرخواسته
- ت - تاریخ ابلاغ رأی تجدیدنظرخواسته
- ث - دلایل و جهات تجدیدنظرخواهی

تبصره - رعایت مقررات مواد (۲۰) تا (۲۳) این قانون در تقدیم دادخواست تجدیدنظر، ضروری است.

ماده ۶۸-

- ❖ چنانچه دادخواست تجدیدنظر، فاقد مشخصات تجدیدنظر خواه **با اقامتگاه او باشد، پس از انقضای مهلت تجدیدنظر خواهی**، دادخواست به موجب قرار مدیر دفتر شعبه تجدیدنظر، رد می شود. این قرار قطعی است.
- ❖ در سایر موارد نقص دادخواست تجدیدنظر، وفق ماده (۲۸) این قانون اقدام می گردد.
- ❖ اگر دادخواست تجدیدنظر، خارج از مهلت مقرر تسليم شده باشد، شعبه تجدیدنظر قرار رد دادخواست را صادر می کند .

ماده ۶۹-

- ✓ عدم رعایت شرایط قانونی دادخواست و **با عدم رفع نقص آن در موعد مقرر قانونی در مرحله بدوی، موجب نقض رأی در مرحله تجدیدنظر نیست.**
- ✓ در این موارد شعبه تجدیدنظر به دادخواست دهنده بدوی اخطار می کند که ظرف **۵ روز** از تاریخ ابلاغ نسبت به رفع نقص اقدام نماید.
- ✓ در صورت عدم اقدام و همچنین در صورتی که سمت دادخواست دهنده محرز نباشد رأی صادر شده نقض و قرار رد دعوى صادر می شود .

ماده ۷۰- چنانچه شعبه تجدیدنظر در رأی بدوی غیر از اشتباهاتی از قبیل اعداد، ارقام، سهو و قلم، مشخصات طرفین و یا از قلم افتادگی در آن قسمت از خواسته که به اثبات رسیده، اشکال دیگری ملاحظه نکند ضمん اصلاح رأی، آن را تأیید می کند .

ماده ۷۱-

- ❖ چنانچه شعبه تجدیدنظر ایراد تجدیدنظر خواه را وارد تشخیص ندهد:
- ✓ رأی شعبه بدوی را تأیید و در غیر این صورت آن را نقض و پس از رسیدگی ماهوی، مبادرت به صدور رأی می نماید .

ماده ۷۲۵-

- شعبه تجدیدنظر در صورتی که قرار مورد تجدیدنظر خواهی را مطابق با موازین قانونی تشخیص دهد، آن را تأیید می کند. ✓
در غیر این صورت پس از نقض قرار، پرونده را برای رسیدگی ماهوی به شعبه صادر کننده قرار عودت می نماید. ✓

ماده ۷۳- هرگاه در مرحله تجدیدنظر تقاضای صدور دستور موقت شود:

- ✓ اتخاذ تصمیم با شعبه تجدیدنظر است.
- ✓ اجرای دستور موقت مستلزم تأیید رئیس دیوان است.
- ✓ دستور موقت صادر شده از شعبه بدوى مادام که توسط مرجع تجدیدنظر لغو نگردد، به قوت خود باقی است.

ماده ۷۴۵-

- چنانچه قاضی شعبه بدوى صادر کننده رأی پی به اشتباه خود ببرد و پرونده به هر علتی به شعبه تجدیدنظر نرفته باشد:
- ✓ با ذکر دلیل پرونده را از طریق رئیس دیوان به شعبه تجدیدنظر ارسال می کند.
 - ✓ شعبه یاد شده با توجه به دلیل ابرازی و در صورت وارد دانستن اشتباه، رأی صادر شده را نقض می نماید.
 - ✓ و هرگاه رأی صادره به صورت قرار باشد پرونده را جهت ادامه رسیدگی به شعبه بدوى اعاده می کند.
 - ✓ و در غیر این صورت اقدام به رسیدگی ماهوی می کند.

ماده ۷۵۵-

- در صورتی که حداقل یک قاضی از دو قاضی و یا دو قاضی از سه قاضی صادر کننده رأی در شعبه تجدیدنظر، پی به اشتباه شکلی یا ماهوی خود بيرند:
- ✓ مراتب را با ذکر دلیل به رئیس دیوان اعلام می دارند.
 - ✓ رئیس دیوان پرونده را جهت رسیدگی و صدور رأی به شعبه هم عرض ارجاع می دهد.

ماده ۷۶- صدور حکم اصلاحی در مورد سهو قلم یا اشتباه محاسبه و یا رفع ابهام که توسط شعبه صادر کننده رأی انجام می شود، مشمول مواد (۷۴) و (۷۵) این قانون نیست.

ماده ۷۷۵-

❖ در صورتیکه رأی بر مبنای اتفاق نظر نباشد:

✓ نظر اقلیت نیز در پیش نویس رأی درج می شود و به امضای آنان می رسد و در پرونده بایکانی می گردد.

ماده ۷۸۵- مقرراتی که در مرحله بدوي رعایت می شود در مرحله تجدیدنظر نیز جاری است **مگر این که** به موجب قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد.

ماده ۷۹۵-

❖ در صورتی که **رئيس قوه قضائيه** و **رئيس دیوان رأی** قطعی شعب دیوان را خلاف بین شرع یا قانون تشخیص دهند:

✓ **رئيس دیوان فقط** برای یک بار با ذکر دلیل پرونده را برای رسیدگی ماهوی و صدور رأی به شعبه هم عرض ارجاع می نماید. رأی صادر شده قطعی است.

تبصره - چنانچه رأی قطعی موضوع این ماده از شعبه بدوي صادر شده باشد:

✓ در این صورت پرونده برای صدور رأی به شعبه تجدیدنظر ارجاع می گردد.

بحث سوم - رسیدگی در هیأت عمومی

ماده ۸۰۵- تقاضای ابطال مصوبات در هیأت عمومی دیوان، با **تقدیم در خواست انجام می گیرد**. در درخواست مذکور، تصریح به موارد زیر ضروری است :

- الف - مشخصات و اقامتگاه درخواست کننده
- ب - مشخصات مصوبه مورد اعتراض
- پ - حکم شرعی یا موارد قانونی که ادعای مغایرت مصوبه با آن شده
- ت - دلایل و جهات اعتراض از حیث مغایرت مصوبه با شرع یا قانون اساسی یا سایر قوانین یا خروج از اختیارات مرجع تصویب کننده
- ث - امضاء یا اثر انگشت درخواست کننده

تبصره - سایر مقررات مربوط به تنظیم، ارسال و ثبت دادخواست، به استثنای ذی نفع بودن درخواست کننده و پرداخت هزینه دادرسی، در درخواست ابطال مصوبه نیز جاری است. درخواستها توسط **رئيس دیوان**، به دفتر هیأت عمومی ارجاع می شود.

ماده ۸۱۵ – در صورت عدم رعایت موارد مذکور در ماده فوق مدیر دفتر هیأت عمومی به شرح زیر اقدام می‌نماید :

- ۱- در مورد بند(الف) ظرف پنج روز **قرار رد درخواست** صادر می‌نماید .
- ۲- در مورد بند(ث) مطابق ماده(۲۸) این قانون عمل می‌نماید .
- ۳- در سایر موارد با ذکر جهات نقص، اخطاریه صادر و متقاضی مکلف است ظرف ده روز پس از ابلاغ، نسبت به رفع نقص اقدام کند. در غیر این صورت، **قرار رد درخواست** صادر می‌شود. این **قرار، قطعی** است .

ماده ۸۲۵

- ✓ مدیر دفتر هیأت عمومی، درخواست را به نظر رئیس دیوان می‌رساند.
- ✓ چنانچه درخواست مشمول ماده(۸۵) این قانون باشد، رئیس یا معاون قضائی وی، وفق حکم آن ماده اقدام می‌کند
- ✓ و در بقیه موارد، درخواست جهت اخذ پاسخ از مرجع تصویب کننده، به دفتر اعاده می‌شود و در نوبت رسیدگی قرار می‌گیرد .

ماده ۸۳۵

- ✓ مدیر دفتر هیأت عمومی نسخه ای از درخواست و ضمائم آن را برای مرجع تصویب کننده، ارسال می‌کند.
- ✓ مرجع مربوط مکلف است ظرف **یک ماه** از تاریخ ابلاغ، نسبت به ارسال پاسخ اقدام کند.
- ✓ در هر صورت، پس از انقضای مهلت مذبور، هیأت عمومی به موضوع رسیدگی و تصمیم مقتضی اتخاذ می‌نماید .

تبصره – چنانچه مرجع تصویب کننده ظرف مهلت مقرر درخواست تمدید وقت برای ارسال پاسخ نماید، **رئیس دیوان می تواند** در صورت ضرورت، رسیدگی به پرونده را حداکثر تا **سه ماه** دیگر به تأخیر اندازد .

ماده ۸۴۰ – اموری که مطابق قانون در صلاحیت هیأت عمومی دیوان است:

- ✓ ابتداء به هیأتهای تخصصی مرکب از حداقل **پانزده نفر** از قضات دیوان ارجاع می‌شود.
 - ✓ رسمیت جلسات هیأتهای تخصصی منوط به **حضور دو سوم اعضاء** است که به ترتیب زیر عمل می‌کنند :
- الف** – در صورتی که نظر اکثریت مطلق هیأت تخصصی بر قبول شکایت و ابطال مصوبه باشد، پرونده به همراه نظریه هیأت جهت اتخاذ تصمیم به هیأت عمومی ارسال می‌شود .

ب - در صورتی که نظر سه چهارم اعضای هیأت تخصصی بر رد شکایت باشد، رأی به رد شکایت صادر می کند. این رأی ظرف **بیست روز** از تاریخ صدور، از سوی رئیس دیوان یا ده نفر از قضاة دیوان قابل اعتراض است. در صورت اعتراض و یا در صورتی که نظر اکثریت کمتر از سه چهارم اعضاء بر رد شکایت باشد، پرونده به شرح بند(الف) در هیأت عمومی مطرح و اتخاذ تصمیم می شود .

تبصره ۱- تصمیمات هیأتهای تخصصی بلا فاصله به اطلاع قضاة دیوان می رسد .

تبصره ۲- هرگاه مصوبه مورد شکایت به لحاظ مغایرت با موازین شرعی برای رسیدگی مطرح باشد موضوع جهت اظهارنظر به شورای نگهبان ارسال می شود. نظر فقهای شورای نگهبان برای هیأت عمومی و هیأتهای تخصصی لازم الاتبع است .

ماده ۸۵ - در مواردی که به تشخیص رئیس دیوان، رسیدگی به درخواست ابطال مصوبه موضوعاً منتفی باشد، **هائفه** موارد استرداد درخواست از سوی متقاضی **یا** وجود رأی قبلی دیوان در مورد مصوبه، رئیس دیوان **قرار رد درخواست** را صادر می کند. **این قرار قطعی** است .

ماده ۸۶ - در صورتی که رئیس قوه قضائیه **یا** رئیس دیوان به هر نحو از مغایرت یک مصوبه با شرع یا قانون یا خروج آن از اختیارات مقام تصویب کننده مطلع شوند، **موظفند** موضوع را در هیأت عمومی **مطرح** و ابطال مصوبه را درخواست نمایند .

ماده ۸۷ - در صورتی که مصوبه ای به لحاظ مغایرت با موازین شرعی برای رسیدگی مطرح باشد، موضوع جهت اظهارنظر به شورای نگهبان ارسال می شود. نظر فقهای شورای نگهبان برای هیأت عمومی، لازم الاتبع است .

ماده ۸۸ - هیأت عمومی، در اجرای بند (۱) ماده (۲) این قانون می تواند تمام یا **قسمتی** از مصوبه را ابطال نماید .

ماده ۸۹ - هرگاه در موارد مشابه، آراء متعارض از یک یا چند شعبه دیوان صادر شده باشد، رئیس دیوان **موظف** است به محض اطلاع، موضوع را ضمن تهیه و ارائه گزارش در هیأت عمومی دیوان مطرح نماید.

هیأت عمومی پس از بررسی و احراز تعارض و اعلام رأی صحیح، نسبت به صدور رأی اقدام می نماید.

این رأی برای شعب دیوان و سایر مراجع اداری مربوط در موارد مشابه لازم الاتبع است.

اثر آراء وحدت رویه مذکور نسبت به آینده است و موجب نقض آراء سابق نمی شود لکن در مورد احکامی که در هیأت عمومی مطرح و غیر صحیح تشخیص داده شده شخص ذی نفع ظرف یک ماه از تاریخ درج رأی در روزنامه رسمی حق تجدیدنظر خواهی را دارد.

در این صورت پرونده به شعبه تجدیدنظری که قبلًا در پرونده دخالت نداشته ارجاع می شود و شعبه مذکور موظف به رسیدگی و صدور رأی بر طبق رأی مذبور است.

ماده ۹۰۵- هرگاه در موضوع واحد حداقل پنج رأی مشابه از دو یا چند شعبه دیوان صادر شده باشد:

✓ رئیس دیوان می تواند موضوع را در هیأت عمومی مطرح و تقاضای تسری آن را نسبت به موضوعات مشابه نماید.
✓ در صورتی که هیأت عمومی آراء صادرشده را صحیح تشخیص دهد، آن را برای ایجاد رویه تصویب می نماید. این رأی برای سایر شعب دیوان، ادارات و اشخاص حقیقی و حقوقی مربوط لازم الایاع است.

تبصره - پس از صدور رأی ایجاد رویه، رسیدگی به شکایات موضوع این ماده در شعب دیوان به صورت خارج از نوبت و بدون نیاز به ارسال نسخه ای از دادخواست و ضمائم آن برای طرف شکایت، انجام می گیرد.

ماده ۹۱۵- طرح آراء قبلی هیأت عمومی برای رسیدگی مجدد در هیأت عمومی، در موارد با مغایرت با قانون با تعارض یا یکدیگر

مستلزم اعلام اشتباه از سوی ...

تقاضای کتبی و مستدل بیست نفر از قضاة دیوان است.

یا

رئیس قوه قضائیه یا رئیس دیوان

ماده ۹۲۵-

جنانجه مصوبه ای در هیأت عمومی، ابطال شود. رعایت مفاد رأی هیأت عمومی در مصوبات بعدی، الزمی است.

هرگاه مراجع مربوط، مصوبه جدیدی مغایر رأی هیأت عمومی تصویب کنند، رئیس دیوان موضوع را خارج از نوبت بدون رعایت مفاد ماده(۸۳) این قانون و فقط با دعوت نماینده مرجع تصویب کننده، در هیأت عمومی مطرح می نماید.

ماده ۹۳

- ✓ افرادی که در اجرای آراء هیأت عمومی، خود را ذی نفع می دانند، در صورت عدم اجرای آن از سوی مسؤولان ذی ربط، می توانند رسیدگی به استنکاف مسؤول مربوط را از دیوان، درخواست نمایند.
- ✓ این درخواست از سوی رئیس دیوان، به یکی از شعب تجدیدنظر ارجاع می شود.
- ✓ شعبه مذکور در صورت احراز ذی نفع بودن درخواست کننده و استنکاف مسؤول مربوط، به موجب ماده(۱۰۹) این قانون اتخاذ تصمیم می نماید .

ماده ۹۴— در صورتی که آراء هیأت عمومی دیوان از سوی رئیس قوه قضائیه خلاف موازین شرع تشخیص داده شود:

- ✓ هیأت عمومی با توجه به نظر رئیس قوه قضائیه تجدیدنظر می نماید .

ماده ۹۵— احکام صادر شده از هیأت عمومی دیوان که مستلزم عملیات اجرائی باشد:

- ✓ از طریق دفتر هیأت عمومی به واحد اجرای احکام دیوان ابلاغ می گردد.
- ✓ واحد اجرای احکام دیوان موظف است مراتب را به مبادی ذی ربط اعلام نماید.
- ✓ مراجع مذکور مکلف به اجرای حکم و اعلام نتیجه به دیوان می باشند و در صورت استنکاف طبق ماده(۱۱۰) این قانون اقدام می شود .

ماده ۹۶— اداره جلسات هیأت عمومی و هیأتهای تخصصی، وفق این قانون، مطابق آیین نامه ای است که ظرف سه ماه از تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون، به تصویب رئیس قوه قضائیه می رسد .**ماده ۹۷**— رأی هیأت عمومی مطابق نظر اکثریت اعضاء توسط رئیس دیوان یا یکی، از اعضاء اکثریت هیأت به انتخاب رئیس دیوان انشاء می گردد .

تبصره — ابلاغ و اصلاح آراء هیأت عمومی مطابق مقررات آیین دادرسی مدنی است .

بخش سوم = اعاده دادرسی

ماده ۹۸- در مورد احکام قطعی به جهات ذیل می‌توان دادخواست اعاده دادرسی تقدیم نمود :

- الف - حکم، خارج از موضوع شکایت صادر شده باشد .
- ب - حکم به میزان بیشتر از خواسته صادر شده باشد .
- پ - در مفاد حکم، تضاد وجود داشته باشد .
- ت - حکم صادر شده با حکم دیگری درخصوص همان دعوى و اصحاب آن، که قبلًاً نوسط همان شعبه یا شعبه دیگر صادر شده است متعارض بوده بدون آن که سبب قانونی موجب این تعارض باشد .
- ث - حکم، مستند به اسنادی باشد که پس از صدور، جعلی بودن و یا عدم اعتبار آنها به موجب حکم مراجع صالح قانونی ثابت شده باشد .
- ج - پس از صدور حکم، اسناد و دلایلی به دست آید که دلیل حقانیت درخواست کننده اعاده دادرسی باشد و ثابت شود اسناد و دلایل یادشده در جریان دادرسی در اختیار وی نبوده است .

ماده ۹۹- مهلت تقدیم دادخواست اعاده دادرسی به شرح زیر است :

- ۱- در مورد بندهای «الف» تا «پ» ماده(۹۸) این قانون، بیست روز از تاریخ ابلاغ رأی شعبه
- ۲- درخصوص بندهای «ت» تا «ج» ماده(۹۸) این قانون، بیست روز از زمان حصول سبب اعاده دادرسی

ماده ۱۰۰- دادخواست اعاده دادرسی با رعایت مواد مربوط به دادخواست مندرج در این قانون با ذکر جهتی که موجب اعاده دادرسی شده است، به شعبه صادر کننده رأی تقدیم می‌شود .

ماده ۱۰۱- هزینه دادخواست اعاده دادرسی :

برابر هزینه تقدیم دادخواست به شعب تجدیدنظر دیوان است . ✓

ماده ۱۰۵-

- ✓ رسیدگی به دادخواست اعاده دادرسی در صلاحیت **شعبه صادرکننده حکم قطعی** است.
- ✓ شعبه مذکور در ابتداء در مورد قبول یا رد این دادخواست قرار لازم را صادر می نماید و در صورت قبول دادخواست مبادرت به **رسیدگی، ماهوی** می کند.

ماده ۱۰۶- شعبه رسیدگی کننده به اعاده دادرسی می تواند در صورت احراز ضرورت:

- ✓ دستور توافق اجرای حکم مورد تقاضای اعاده دادرسی را صادر نماید.

ماده ۱۰۷-**هرگاه شعبه دادخواست اعاده دادرسی را وارد تشخیص دهد:**

- ✓ حکم مورد تقاضای اعاده دادرسی را نقض و حکم مقتضی صادر می نماید.
- ❖ در صورتی که دادخواست اعاده دادرسی **واحده** به قسمتی از **حکم باشد**:
 - ✓ فقط همان قسمت نقض یا اصلاح می گردد.
- ❖ **چنانچه جهت دادخواست اعاده دادرسی، مغایرت دو حکم باشد:**
 - ✓ شعبه رسیدگی کننده پس از قبول اعاده دادرسی، حکم دوم را نقض می نماید و حکم اول به قوت خود باقی می ماند.

ماده ۱۰۸- حکمی که پس از اعاده دادرسی صادر می گردد:

- ✓ قابل اعاده دادرسی مجدد از همان جهت **نیست**.

ماده ۱۰۹- در اعاده دادرسی به **هیچ عنوان شخص دیگری غیر از طرفین دعوی، وکیل یا قائم مقام و یا نماینده قانونی آنان، نمی تواند وارد دعوی شود.****بخش چهارم - اجرای احکام****ماده ۱۱۰- کلیه اشخاص و مراجع مذکور در ماده(۱۰) این قانون مکلفند آراء دیوان را پس از ابلاغ به فوریت اجراء نمایند.**

ماده ۱۰۵

شعب دیوان **یس از ابلاغ رأی به محکوم** عليه یک نسخه از آن را به انضمام پرونده به واحد اجرای احکام دیوان ارسال می نمایند.

محکوم **علیه مکلف** است ظرف **یک ماه** نسبت به اجرای کامل آن یا جلب رضایت محکوم له اقدام و نتیجه را به طور کتبی به واحد اجرای احکام دیوان گزارش نماید.

ماده ۱۰۶

هرگاه پس از انتشار رأی هیأت عمومی دیوان در روزنامه رسمی کشور مسؤولان ذی ربط از اجرای آن استنکاف نمایند:

به تقاضای ذی نفع **با رئیس دیوان** و با حکم یکی از شعب دیوان، مستنکف به انفال موقت از خدمات دولتی به مدت سه ماه تا **یک سال و جبران خسارت وارد** محکوم می شود.

تبصره

تقاضای ذی نفع برای اجرای آراء هیأت عمومی، باید به صورت **تقدیم دادخواست** باشد.
افرادی که از عدم اجرای آراء هیأت عمومی در مورد ابطال مصوبه مطلع می شوند، می توانند موضوع را به رئیس دیوان منعکس نمایند تا رئیس دیوان نسبت به پیگیری موضوع از طریق شعب دیوان اقدام نماید.

ماده ۱۱۰

در صورت استنکاف شخص یا مرجع محکوم **علیه از اجرای حکم قطعی، واحد اجرای احکام دیوان**، مراتب را به رئیس دیوان گزارش می کند.

رئیس دیوان **بلافاصله** پرونده را به شعبه صادر کننده رأی قطعی ارجاع می نماید.
شعبه مذکور **موظف** است **خارج از نوبت** به موضوع استنکاف رسیدگی و رأی مقتضی صادر و پرونده را جهت اقدامات بعدی به واحد اجرای احکام دیوان ارسال نماید.

تبصره ۱

در مواردی که اجرای حکم، مستلزم اتخاذ تصمیم توسط شورا، هیأت و یا کمیسیونی مرکب از دو یا چند نفر باشد و اعضا آنها از تبعیت حکم صادر شده استنکاف نمایند:

تمامی اعضای **مؤثر در مخالفت** با حکم دیوان، مستنکف شناخته می شوند.

تبصره ۲- مرجع رسیدگی به استنکاف از رأی هیأت عمومی، **شعب تجدیدنظر دیوان** است .

تبصره ۳-

- ✓ شعبه رسیدگی کننده به استنکاف ابتداء شخص یا اشخاص مستنکف را احضار و موضوع را به آنها تفهیم می نماید.
- ✓ چنانچه مستنکف استمهال کند، **حداکثر یک هفته** جهت اجرای حکم و اعلام به دیوان به وی مهلت داده می شود و در غیراین صورت و یا پس از انقضای مهلت، مشمول حکم مقرر در ماده(۱۱۲) این قانون قرار می گیرد .

ماده ۱۱۵- دادرس اجرای احکام از طرق زیر مبادرت به اجرای حکم می کند :

- ۱- احضار مسؤول مربوط و اخذ تعهد بر اجرای حکم یا جلب رضایت محکوم له در مدت معین
- ۲- دستور توقيف حساب بانکی محکوم علیه و برداشت از آن به میزان مبلغ محکوم به در صورت عدم اجرای حکم یک سال پس از ابلاغ
- ۳- دستور توقيف و ضبط اموال شخص مختلف به درخواست ذی نفع طبق مقررات قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب (در امور مدنی)
- ۴- دستور ابطال استناد یا تصمیمات اتخاذ شده مغایر با رأی دیوان با رعایت لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه های عمومی، عمرانی و نظامی دولت مصوب ۱۳۵۸/۱۱/۱۷ شورای انقلاب و اصلاحات بعدی آن و قانون تعیین تکلیف اراضی واگذاری دولت و نهادها مصوب ۱۳۷۰/۱۲/۱۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام

ماده ۱۱۶-

❖ در صورتی که محکوم علیه از اجرای رأی، استنکاف نماید با رأی شعبه صادر کننده حکم:

- ✓ به انفال موقت از خدمات دولتی **تا پنج سال و جبران خسارت وارد** محکوم می شود.
- ✓ رأی صادر شده ظرف **بیست روز پس از ابلاغ** قابل تجدیدنظر در شعبه تجدیدنظر دیوان می باشد
- ✓ و در صورتی که رأی مذکور در شعبه تجدیدنظر صادر شده باشد به شعبه هم عرض ارجاع می گردد .

ماده ۱۱۳- طرح مجدد پرونده در موارد اعلام اشتباه قاضی و یا خلاف بین شرع یا قانون:

- ✓ مانع از اجرای حکم قطعی دیوان نیست **مکار آن** که شعبه رسیدگی کننده قرار توافق اجرای حکم را صادر نماید.

ماده ۱۱۴-

چنانچه در جریان اجرای آراء دیوان، راجع به نحوه اجرای رأی بین طرفین توافقی شود و محکوم علیه به تعهدات خود عمل ننماید:

- ✓ محکوم له می تواند ادامه عملیات اجرائی را درخواست کند و واحد اجرای احکام دیوان با اجرای رأی دیوان یا توافق، موضوع را پیگیری می نماید.

ماده ۱۱۵-

- ✓ در مواردی که محکوم علیه در مقام اجرای احکام قطعی دیوان، به موانع قانونی استناد نماید و یا به جهتی امکان عملی اجرای حکم نباشد و این جهات به تشخیص دادرس اجرای احکام دیوان، موجه شناخته شود، از موارد اعاده دادرسی تلقی و پرونده به منظور رسیدگی به این جهات به شعبه صادر کننده رأی قطعی ارجاع می گردد.
- ✓ شعبه مزبور در صورت تأیید وجود مانع قانونی و یا عدم امکان اجرای حکم، رأی مقتضی به جبران خسارت و یا تعیین جایگزین محکوم به صادر می نماید.
- ✓ در غیراین صورت قرار رد صادر و پرونده برای ادامه عملیات اجرائی به واحد اجرای احکام دیوان اعاده می شود. رأی و یا قرار صادر شده در این مرحله قطعی است.

ماده ۱۱۶- در مواردی که اجرای حکم قطعی از اختیار محکوم علیه خارج و یا موكول به تمهید مقدماتی از سوی مرجع دیگر غیر از محکوم علیه باشد و مرجع اخیر در جریان دادرسی وارد نشده باشد، ظرف **یکماه از تاریخ اعلام**، مرجع یادشده می تواند به رأی صادر شده اعتراض کند و شعبه صادر کننده رأی قطعی باید به موضوع رسیدگی و اظهار نظر نماید. این رأی قطعی و لازم الاجراء است.

ماده ۱۱۷- چنانچه دادرس اجرای احکام دیوان، رأی شعبه دیوان را مبهم بداند، به نحوی که اجرای آن امکان نداشته باشد:

- ✓ با ذکر مورد ابهام از شعبه صادر کننده رأی تقاضای رفع ابهام می نماید.
- ✓ نظر شعبه در خصوص رفع ابهام، برای دادرس اجرای احکام دیوان، لازم الاتباع است.

ماده ۱۱۸— دستگاههای اجرائی موضوع ماده(۵) قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶/۷/۸ مکلفند دستورات دیوان را در مقام اجرای حکم اجرا کنند. تخلف از مقررات این ماده، علاوه بر تعقیب اداری و انتظامی حسب مورد، مستوجب مجازات مقرر در ماده(۱۱۲) این قانون است .

ماده ۱۱۹— در اجرای بند «۱» ماده(۱۱) این قانون، چنانچه مسؤول مربوط پس از احضار بدون عذر موجه، در واحد اجرای احکام دیوان حاضر نشود، دادرس اجرای احکام مطابق تبصره(۲) ماده(۴۳) این قانون، اقدام می نماید .

بخش پنجم – سایر مقررات

ماده ۱۲۰— شعب تشخیص فعلی دیوان پس از رسیدگی به پرونده های موجود منحل می شوند .

ماده ۱۲۱— هرگاه ضمن رسیدگی به موضوعی در دیوان، رئیس دیوان در جریان تضییع حقوق عمومی و یا منافع بیت المال قرار گیرد، موظف است مراتب را حسب مورد به سازمان بازرگانی کل کشور، دادستان کل کشور و دیوان محاسبات کشور اعلام نماید .

ماده ۱۲۲— مقررات مربوط به رد دادرس و نحوه ابلاغ اوراق، آراء و تصمیمات دیوان و وکالت و سایر موارد سکوت در این قانون به ترتیبی است که در قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب (در امور مدنی) و قانون اجرای احکام مدنی مقرر شده است .

ماده ۱۲۳— بودجه دیوان در ردیف مستقل ذیل ردیف بودجه قوه قضائیه منظور می گردد .

ماده ۱۲۴— از تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون، قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۹/۲۵ و اصلاحات بعدی آن و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۹/۲۶ قوه قضائیه لغو می شود .

قانون فوق مشتمل بر یکصد و بیست و چهار ماده و سی و نه تبصره در جلسه علنی روز سه شنبه مورخ ۹/۲۲ مهر ۱۳۹۰ شورای اسلامی تصویب شد و مواد(۱۰)، (۱۲)، (۸۹)، (۹۰) و (۹۴) این قانون در تاریخ ۹/۲۵/۱۳۹۲ از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام موافق با مصلحت نظام تشخیص داده شد و مابقی مواد این قانون در تاریخ ۹/۳۰/۱۳۹۰ به تأیید شورای نگهبان رسید.

سعید شاکر